

ضمیمهٔ کتاب

علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی

تحلیل تطبیقی نظریات روان‌شناسی
با دگردیسی وجودی نفس (دیدگاه ملاصدرا)



ضمیمه تکمیلی فصل ۷: تحلیل تطبیقی نظریات روان‌شناسی با دگردیسی وجودی نفس (دیدگاه ملاصدرا)

ملاصدرا المتألهین نفس را «جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء» می‌داند. از نظر ایشان، نفس در آغاز پیدایش خود جسمانی است و رفته رفته و در اثر تکامل وجودی به مرحله تجرد می‌رسد؛ مانند کرم ابریشمی که پس از گذشت مدت زمانی، به پروانه تبدیل می‌شود (دگردیسی وجودی از خاک به افلاک). در روان‌شناسی مدرن نیز، انسان موجودی است که از بسترهای بیولوژیک آغاز شده اما در آن محصور نمی‌ماند. در ادامه، تحلیل تطبیقی نظریات روان‌شناسی با دگردیسی وجودی نفس (دیدگاه ملاصدرا) ارائه می‌گردد:

۱. **کارل یونگ (Carl Jung):** یونگ فرآیند روانی را یک جریان غایت‌شناختی می‌بیند. همان‌طور که در متن ملاصدرا، نفس از ماده به تجرد می‌رسد، در نظریه یونگ نیز «خود» (Self) از لایه‌های زیستی و غریزی (سایه و نقاب) آغاز شده و طی فرآیند تفرد، به یک وحدت استعلایی و فرامادی دست می‌یابد که فراتر از بیولوژی صرف است. واژگان متناظر نظریه یونگ با دگردیسی وجودی عبارت‌اند از: الف) تفرد (Individuation): فرآیند تحول ساختاری که در آن «کل روانی» از حالت بالقوه و مادی به فعلیت و تمایز یافتگی می‌رسد. ب) کارکرد متعالی (Transcendent Function): سازوکاری که میان جنبه‌های خودآگاه و ناخودآگاه پل زده و باعث صعود فرد به سطح جدیدی از هستی روانی می‌شود.

۲. **هاینز ورنر (Heinz Werner):** او معتقد است هر موجود زنده براساس یک اصل ارتوژنتیک از حالتی کلی و مادی به سمتی حرکت می‌کند که در آن ساختارها متمایز و مجرد می‌شوند؛ این دقیقاً معادل تکامل وجودی نفس از مرتبه حسی به مرتبه عقلی است. واژگان متناظر نظریه ورنر با دگردیسی وجودی عبارت‌اند از: الف) اصل ارتوژنتیک (Orthogenetic Principle): اصلی که بیان می‌کند رشد همواره از یک وضعیت نامتمایز به سمت وضعیت‌های متمایز و یکپارچه‌سازی سلسله‌مراتبی پیش می‌رود. ب) تمایز یافتگی (Differentiation): فرآیندی که طی آن یک کل بسیط به اجزا و عملکردهای پیچیده‌تر و عالی‌تر تقسیم می‌شود.

۳. **آبراهام مزلو (Abraham Maslow):** او در لایه‌های نهایی هرم خود، به فراروی (Transcendence) اشاره می‌کند. این مفهوم با «روحانیة البقاء» ملاصدرا هم‌سو است؛ جایی که موجود انسانی پس از استقرار در نیازهای جسمانی (مادی)، به کشف ارزش‌های وجودی (B-Values) می‌رسد که ماهیتی غیرمادی و شهودی دارند و فراتر از نیازهای بیولوژیک هستند. واژگان متناظر نظریه مزلو با دگردیسی وجودی عبارت‌اند از: الف) نیازهای تعالی (Metaneeds): نیازهای سطح عالی که مربوط به شکوفایی جنبه‌های معنوی، زیبایی‌شناختی و حقیقت‌جویی انسان است. ب) فراروی (Transcendence): رسیدن به حالتی از آگاهی که در آن فرد از علایق شخصی و مادی خود عبور کرده و به کل هستی متصل می‌شود.

۴. **ژان پیاژه (Jean Piaget):** پیاژه تکامل ذهن را یک دگردیسی کیفی می‌داند. در دیدگاه او، هوش از مرحله «حسی-حرکتی» که کاملاً وابسته به بدن و ماده است، به مرحله «عملیات صوری» می‌رسد که در آن فکر کاملاً مجرد (Abstract) شده و بدون نیاز به جسمانیت، در عالم مفاهیم سیر می‌کند. واژگان متناظر نظریه پیاژه با دگردیسی وجودی عبارت‌اند از: الف) عملیات صوری (Formal Operations): عالی‌ترین مرحله رشد شناختی که در آن فرد قادر به تفکر انتزاعی، فرضیه‌سازی و استدلال منطقی بدون تکیه بر اشیا مادی است. ب) سازگاری (Adaptation): فرآیند دوگانه درونی‌سازی و برون‌سازی که باعث تکامل دائمی ساختارهای ذهنی (Schemata) می‌شود.

۵. **رابرت کلونینگر (Robert Cloninger):** او با تفکیک بین «مزاج» و «منش»، پلی میان ماده و معنا می‌سازد. «مزاج» ریشه در بیولوژی و جسمانیت دارد (جسمانیة الحدوث)، اما «منش» از طریق خودآگاهی و شهود رشد کرده و به سطح «خود-فراروی» می‌رسد که دقیقاً معادل تجرد و روحانیت یافتن نفس در اثر تجربه است. واژگان متناظر نظریه کلونینگر با دگردیسی وجودی عبارت‌اند از: الف) خود-فراروی (Self-Transcendence): تمایل فرد به درک خود به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از کل هستی و معنویت، که به عنوان یک صفت منشی (Character trait) رشد می‌کند. ب) منش (Character): جنبه‌ای از شخصیت که تحت تأثیر یادگیری بینشی و اراده قرار دارد و منعکس‌کننده اهداف و ارزش‌های متعالی فرد است.

۶. **مارگارت ماهلر (Margaret Mahler):** ماهلر بر فرآیند تولد روانی (Psychological Birth) تأکید دارد. از نظر او، کودک ابتدا در یک هم‌زیستی بیولوژیک و مادی با مادر است، اما رفته رفته از این کالبد واحد جدا شده و به عنوان یک «نفس» مستقل و دارای هویت روانی ظهور می‌کند که با ایده جدایی تدریجی نفس از بدن در فلسفه ملاصدرا هم‌سو است. واژگان متناظر نظریه ماهلر با دگردیسی وجودی

تحلیل تطبیقی نظریات روان‌شناسی با دگردیسی وجودی نفس (دیدگاه ملاصدرا)

عبارت‌اند از: الف) جدایی-تفرد (Separation-Individuation): مراحل‌ی که طی آن کودک از پیوند بیولوژیک با مادر رها شده و به استقلال روانی و هویت فردی دست می‌یابد. ب) هویت (Identity): احساس تداوم و یکپارچگی درونی که در اثر تکامل روانی و فراتر رفتن از نیازهای فیزیولوژیک اولیه شکل می‌گیرد.